

بینا شاه‌منصوری، استاد علوم ارتباطات
در گفت‌وگو با «جام جم» تأکید کرد

مقابله با میکروسلبریتی‌ها
به کمک «سواد رسانه‌ای»

۱۲

گفت‌وگوی «جام جم» با ایرج‌راد، بازیگر و رئیس هیات‌مدیره خانه‌تئاتر

وضعیت تئاتر بلبشو و خطرناک است

۱۱

گفت‌وگو با ایرج‌راد در حوزه‌های مختلف مرتبط با تئاتر انجام شد و او در مقام رئیس هیات‌مدیره خانه‌تئاتر در این گفت‌وگو تفصیلی درباره شرایط امروز تئاتر، عملکرد خانه‌تئاتر در دوران رکود دو سه ساله ناشی از بحران کرونا و صنفی شدن انجمن‌های خانه‌تئاتر در مواجهه با وزارت کار صحبت کرده است. انتقادهای هم به انتخاب مدیرعامل خانه‌تئاتر مطرح شده بود که آنها را با این هنرمند پیشکسوت در میان گذاشتیم و او با حوصله و صبوری به این سوال‌ها و انتقادها پاسخ داد و مسائل عمده خانه‌تئاتر را در دوران پیش‌رو، تحلیل و بررسی کرد. این گفت‌وگو را بخوانید:

فرهنگ

همیشه حق
با یک درصدی هاست!

شلیک هالیوود به قلب جنبش‌های اعتراضی در غرب



رسانه

گفت‌وگوی «جام جم» با علی یاور تهیه‌کننده سریال پلیسی عملیات رعد: عملیات رعد روایتی تازه از پلیس



سواد رسانه‌ای

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

یکشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۱ شماره ۶۲۲۰



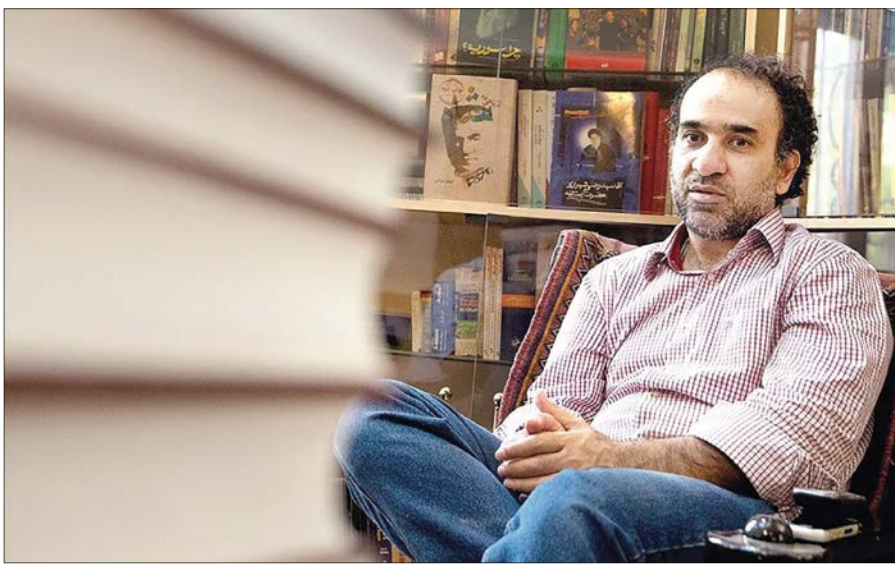
نگاهی به جایگاه ادبیات و افسانه‌های کهن در آثار فانتزی تلویزیون

دنیای جادویی و جذاب خیال

گزارش

نکته‌هایی درباره یادداشت رضا امیرخانی پیرامون حوادث اخیر کشور

«من او» در ۵۰ سالگی؛ خردمندی یا آنارشی؟



مسألهٔ خمس «تشریح حکومتی» ندارد.

یعنی حکومت اسلامی در عصری که مردم مالیات می‌پردازند؛ نیازی به تشریح و قانون‌گذاری در بحث خمس نمی‌بینید و آن را یک عمل عبادی-اقتصادی فردی می‌دانند.

عملی که گرچه حکومت برای تعمیق و فرهنگسازی پیرامون آن وظایفی دارد اما مع الوصف آن را یک عبادت فردی و در حیطه اختیارات افراد می‌داند ولی حجاب این‌گونه نیست، بلکه حکومت اسلامی از آنجا که رعایت حجاب امری اجتماعی است و ظاهر حکومت را تعریف می‌کند؛ مکلف است که بر رعایت حدود آن در میان زنان و مردان جامعه نظارت کند و برای آن اجابراهی قانونی رانیز در نظر بگیرد. اجابراهی که حتی شامل غیرمسلمانان حاضر در جامعه اسلامی نیز می‌شود.

می‌شود بحث حجاب را با مسأله حرمت شراب‌فروشی بهتر توضیح داد. شرب خمر گرچه یک بحث فردی است و حکومت وظیفه دارد نسبت به آسیب‌ها و حرمت آن جامعه را آگاه کند اما هیچ وظیفه‌ای ندارد که برای نظارت بر ممنوعیت این قبیله در خلوت افراد سرک بکشد مع الوصف خرید و فروش خمر یا شرب خمر علنی از آنجا که همچون حجاب به ظاهر و شاکله حکومت اسلامی مربوط است؛ در حکومت اسلامی ممنوع می‌شود و نظام موظف است همانند جرم بدحجابی با مصادیق جرایم آشکار مربوط به مسکرات نیز برخورد کند. این‌که چرا آقای امیرخانی چنین بدیهیاتی که بارها در کتاب‌ها نوشته شده را نخوانده یا به آنها فکر نکرده‌اند جای تعجب والبتنه سؤال دارد!

او همچنین در بخش دیگری از یادداشت خود خطاب به معترضان و اغتشاشگران خیابانی می‌نویسد: «از این‌جا به بعد

ایرانی شاید بلوی سفارت خورده باشد اما ننگ سفارتی بودن و بعدتر مستعمره بودن را نپذیرفته است. ایالات متحده در هیچ کشوری شادی مردمی را در این پنجاه سال تحمل نکرده است. یقین داشته باش اگر تو در معرض تشکیل دولت مردمی باشی، تو را به رسمیت نخواهد شناخت و برای مقابله با تو با همین احمد خانی و علم‌الهدی و امی‌پنددا خیابان تهران و خیابان ایران تعیین‌کننده است نه هیچ خیابان دیگری در جهان و پول توجیبی توست که تغییر مثبت ایجاد می‌کند نه هیچ آرز فرامرزی جهانی.

یادت باشد که تو زایدیدی نسل ارتباطات اتمیزه هستی و مدیون همین فن آوری ارتباطات مجازی هستی. آزادی تو امروز وابسته به سرعت نت توست. جمهوری اسلامی به دلیل تربیت فقهی صفر و یکی به موضوعات نگاه کرده است. عقب‌نشینی را هیچ وقت نیاموخته است. بنابراین خط را نگه می‌داشت تا آخرین قطره‌ی خون و بعد مجبور می‌شد کیلومترها عقب بنشیند. حال آن‌که می‌توانست پشت خط، خطی دیگر تعبیه کند و به صد متر عقب‌تر و خط مستحکم پشتی عقب‌نشینی کند و تلفات ندهد... در مسائل اجتماعی هم همه‌ی خطوط برای او خطوط قرمز و نهایی هستند... تو از این ایراد جمهوری اسلامی بیاموز و به موقع عقب‌نشینی کن تا تلفات ندهی. من تمام تلاش م این است که به آن که تو را می‌زند یاد بدهم که نزند...»

دوستی خاله خرسه

و اما صحبت‌های از سر دلسوزی امیرخانی با جماعت به خیابان آمده، ما متوجه دلسوزی و نیت خیر آقای امیرخانی هستیم و معتقدیم که در این زمینه باید خوشبین بود.

متمای توجه دادن امیرخانی به سمت توپنه اجنبی اما آقای امیرخانی باید بداند که فرق است بین اصالت دادن به اعتراض با اصالت دادن به خیابان! «معرض اصیل» بدون مجوز به خیابان نمی‌آید و عاقبت خیابان نیز جز «حمام خون» نیست. اکنون امیرخانی در کدام سمت این ماجرای فلسفی ایستاده است؟ چرا امیرخانی این حقیقت ساده را نمی‌داند که در مایه‌آزای تشویق‌های عده‌ای برای به خیابان کشاندن کسانی از مردم، هزاران نفر کشته و زخمی می‌شوند و البته بر بار مشکلات نیز افزوده می‌شود! همان‌طور که در اغتشاشات اخیر دیدیم...

اگر کسی با تشویق‌های امثال امیرخانی به خیابان رفت و در بلبشوی جنگ پلیس با اراذل و اوباش کشته شد؛ آیا چیزی هم بر ذمه رضا امیرخانی خواهد بود؟ پاسخ مشخص است...

طرفه آن‌که «دوستی و دلسوزی» می‌تواند صادقانه باشد اما اثری مثل داستان دوستی خاله خرسه داشته باشد. داستان خرسی که مرد جنگلیان به خواب رفته را دوست داشت و برای این‌که مگس را از روی صورت مرد غنوده ببرد، سنگ بزرگی را برداشت و به سمت مگس پرتاب کرد اما این سر مرد جنگلیان بود که له شد.

«تشویق به اعتراض و خیابان» اگر بدون پیوست‌های لازم باشد، یقیناً جز دوستی خاله خرسه چیز دیگری نیست و این پیوست‌های لازم در پشت هیچ نمایش اعتدالی و زینت با حکومت نبودن نیز پنهان نمی‌شوند...

نیز این یادداشت تحلیلی در اشاره به سن ۵۰ سالگی آقای امیرخانی و نیز یکی از آثار ایشان به نام «من او» نگاشته شده است.

نگاه

یک درمان سریایی



علیرضا سنگار
گروه فرهنگ و هنر

برای سینمای ایران، کار از مرثیه‌سرایی و این‌که مقصر فاصله‌گرفتن مردم از سینما چیست، گذشته است. هرچند ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی دقیق همیشه جواب می‌دهد و با رسیدن به جواب این سؤال و مقصران اصلی، می‌توان به آینده دل بست اما عجالتاً باید به فکر مسکن‌ها و درمان‌های مقطعی برای نجات این کشتی به گل نشسته و رساندن آن به ساحل بود و بعدتر با رجوع به منشأها و منابع بحران، کارهای عمیق‌تر و کارشناسانه‌تری انجام داد.

نکته مهمی که معمولاً در رصد ارکان و گیشه مغفول می‌ماند، رجوع به بحث تولید فیلم‌هاست و وقتی خانه از پای‌بست ویران باشد و معماران سینمایی و سازندگان آثار، خشت اول را کج نهاده باشند، دیگر نمی‌توان در مرحله‌نهایی نمایش فیلم حتی با زرق و برق تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای کاری از پیش برد و جذب و جلب نظر مخاطبان شدنی نیست. بنابراین ذوق و خلاقیت گمشده در میان فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان و نبود تنوع ژانری کافی و ساختار عمدتاً ضعیف فیلم‌ها در ترکیب با انفصال و کم‌کاری مدیران، متولیان فرهنگی و شوراها، بی‌روانه ساخت و نمایش، دست به دست هم می‌دهند تا «فیلم‌هایی برای ندیدن» تولید شوند و سالن‌های سینماهای کشور را اشغال کنند و همگی نقش بسزایی در فراری دادن مخاطبان از سینما داشته باشند.

با این وضعیت سینمای ایران بیشتر از شورای راهبردی ارکان» به «شورای راهبردی تولید» نیاز دارد. منظور ابدا سینمای بخشنامه‌ای و دستوری از نوع دوره‌ها و سال‌های دور نیست، بلکه نشست، هم‌اندیشی و تعامل درست فیلمسازان، مدیران سینمایی، فرهنگی و سینماداران با درس‌گرفتن از خطاهای مشهود گذشته در زمینه تولید و ارکان است. می‌توان با نگاهی به ساختار فیلم‌ها و سرنوشت آنها در ارکان به نیازسنجی دقیقی از مخاطبان رسید و فتیله تولید فیلم‌های بی‌ارزش و کم‌ارزش در سینمای ایران را که نه به درد دنیا و نه آخرت فیلمسازان و مخاطبان می‌خورد، کم و خاموش کرد.

یادمان رفت که قرار به مرثیه‌سرایی نبود و دست‌کم برای درمان مقطعی سینمای ایران و حوزه ارکان و باتوجه به همین داشته‌های موجود آستین بالا زد تا بعد به بازنگری سازوکار تولید و نسبت درستش با ارکان برسیم. پیرو همین نگاه مسکنی و درمان سریایی، تصمیم شورای راهبردی ارکان درباره نیمی‌بها شدن بلیت سینما به مدت دو هفته و همزمان با برگزاری برنامه «مهر سینمای ایران» در استان‌های مختلف کشور جواب داد و در همین دو سه روز آبرایی شدن، بیش از ۵۱ هزار نفر را به سالن‌های سینما کشاندند و باعث افزایش مخاطبان سینما و افزایش فروش فیلم‌ها شده است و تا حدی توانسته افت محسوس مخاطبان و ریزش چشمگیر فروش گیشه را در هفته‌های اخیر جبران کند. این استقبال گرچه امیدوارانه است و به سهم خود راهکاری برای جذب دوباره طیفی از مخاطبان و آشنی دگرباره آنها با سینما به نظر می‌رسد

اما باید با نشانه‌شناسی دقیقی ردیابی و به درمان‌های اساسی‌تری منجر شود. اقبال به نیمه‌بها شدن بلیت، بار دیگر ثابت می‌کند افزایش هرازگاهی قیمت بلیت‌های سینما، تصمیم اشتباهی است که به دلیل بار اقتصادی در این اوضاع، سینما را هرچه بیشتر از سبد خانواده‌ها حذف می‌کند. بنابراین برای بازگشت سینما به سبد فرهنگی و تفریحی خانواده‌ها هم باید با حفظ و ثبات قیمت بلیت متناسب با جیب جامعه یا اعمال قیمت بلیت‌شاوور و مهم‌تر تولید و ساخت فیلم‌هایی با ساختار جذاب و با تنوع ژانری، امیدوار به جذب همیشگی مخاطبان و اعدادی بسیار بیشتر از ۵۱ هزار نفر بود.

بی‌اطلاعی سوال برانگیز!

در باب بخش اول اظهارات و در واقع طعنه‌های آقای امیرخانی باید دانست که خمس و حجاب اگرچه هر دو واجب هستند اما